

بررسی ماکروبتوزها و شاخص‌های فیزیکی و شیمیایی آب استخرهای پرورش میگوی پاسفید غربی (*Litopenaeus vannamei*) در سایت پرورش میگوی شیف - بوشهر

محمد افشارنسب*^۱، معصومه فرامرزی^۲، نرگس جوادزاده^۲، خلیل پذیر^۳

۱- موسسه تحقیقات علوم شیلاتی کشور، تهران، ایران، صندوق پستی: ۱۴۹-۱۴۹۶۵

۲- دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اهواز، صندوق پستی: ۱۶۳

۳- پژوهشکده میگوی کشور، بوشهر، ایران، صندوق پستی: ۱۳۷۴

تاریخ پذیرش: ۴ اسفند ۱۳۹۲

تاریخ دریافت: ۱ آبان ۱۳۹۲

چکیده

به منظور بررسی ماکروبتوزها و شاخص‌های فیزیکی و شیمیایی آب در استخرهای پرورش میگوی پاسفید غربی طی ماه‌های تیر لغایت مهر در سایت پرورش میگوی شیف واقع در بخش مرکزی استان بوشهر از سه استخر ۱ هکتاری نسبت به جمع‌آوری نمونه رسوب و اندازه‌گیری فاکتورهای فیزیکی و شیمیایی آب شامل دما، اکسیژن محلول، شوری و pH و مواد مغذی شامل فسفات کل، نترات، نیتريت و آمونیاک اقدام شد. برای شناسایی بنتوزهای رسوبات، با استفاده از یک دستگاه نمونه‌بردار بنتوز گراب با سطح پوشش ۲۵۰ سانتی‌متر مربع نمونه‌برداری از کف استخرهای پرورشی انجام و نمونه‌ها به آزمایشگاه پژوهشکده میگوی کشور منتقل گردید. نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که مهم‌ترین ماکروبتوزها شامل سه گروه اصلی یعنی شکم‌پایان (Gastropods)، دوکفه‌ای‌ها (Bivalves) و پرتاران (Polycheta) بود. همچنین میانگین فاکتورهای فیزیکی و شیمیایی آب شامل دما، اکسیژن محلول، شوری و pH و مواد مغذی از جمله فسفات کل، نترات، نیتريت و آمونیاک نیز گزارش می‌گردد. نتایج به دست آمده از آزمون آنالیز واریانس یک طرفه و ضریب همبستگی، نشان داد که ضریب همبستگی میان اکسیژن با میانگین وزن و طول منفی و کاملاً معنی‌دار بود ($P < 0/05$). قابل ذکر است که آزمون چند متغیری در رابطه با فاکتورهای کیفیت آب مشخص کرد که یک رابطه همبستگی منفی معنی‌دار میان فسفات کل و میانگین وزن و طول وجود دارد ($P < 0/05$). همچنین میان نترات و میانگین وزن و طول میگوها در طول دوره پرورش یک رابطه همبستگی معنی‌دار مثبت مشاهده شد ($P < 0/05$). نتایج حاصل از بررسی و شناسایی کفزیان در استخرهای پرورشی تحت مطالعه بیانگر فقر جمعیت بنتوزی در سیستم‌های مذکور بود.

کلمات کلیدی: بوشهر، شیف، میگوی پاسفید غربی، ماکروبتوزها، فاکتورهای فیزیکی و شیمیایی.

مقدمه

پرورش میگو ارتباط مستقیم با کیفیت آب استخرهای پرورشی دارد، به طوری که اگر کیفیت آب و خاک استخر در حد مطلوب حفظ نشود تغذیه میگوها به خوبی انجام نگرفته و میگوها نسبت به بیماری‌ها حساس می‌شوند و بازماندگی آن‌ها کاهش می‌یابد. آب استفاده شده در آبیاری پروری حاوی مواد آلی و معدنی است و یون‌های معدنی محلول، گازهای محلول، مواد معلق، ترکیبات آلی محلول و میکروارگانیسم‌ها بر کیفیت آب آبیاری پروری اثر دارند (Van wyk *et al.*, 1999).

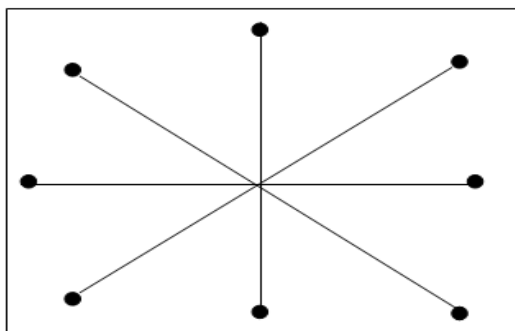
کیفیت آب تحت تأثیر فرآیندهای بیولوژیکی از قبیل فتوسنتز، تنفس، دفع ضایعات متابولیکی و عوامل فیزیکی از قبیل دما و باد دچار تغییر می‌شود. همچنین کیفیت آب ممکن است به دنبال اتخاذ استراتژی‌های مدیریتی بکار گرفته شده دچار تغییر شود. به طوری که تغذیه بیش از حد منجر به افزایش مواد معلق محلول در آب می‌شود (Boyd, 1990). براساس گزارش Briggs و همکاران (۲۰۰۴) میگوی وانامی می‌تواند درجه حرارت ۲۳ تا ۳۰ درجه سانتی‌گراد، شوری تا ۴۵ در هزار و pH تا ۸ را تحمل نماید. وی اظهار می‌دارد میزان حلالیت اکسیژن در آب به عواملی از قبیل دما، شوری و عمق آب بستگی داشته و با افزایش دما، شوری و عمق حلالیت اکسیژن در آب کاهش می‌یابد و حلالیت اکسیژن در آب شور به طور معنی‌داری کمتر از آب شیرین می‌باشد. از سوی دیگر در ایران، اسماعیلی ساری (۱۳۷۹) در مطالعات خود اعلام کرد که میزان مصرف اکسیژن به دمای آب،

توده زنده موجودات، گیاهان و باکتری‌های هوازی موجود در سیستم بستگی دارد.

میردار (۱۳۸۷) با مطالعه در زمینه فراوانی، پراکنش و توده زنده موجودات ماکروبتوتوزها در خورهای شمالی استان بوشهر، اظهار داشتند که خورهای شمالی استان بوشهر از جمله زیست بوم‌های مساعد و غنی از لحاظ موجودات کفزی و مواد آلی بستر بوده و به همین دلیل مکان امن و بسیار مناسبی برای زادآوری ماهیان دریازی و میگوهای این منطقه از خلیج فارس محسوب می‌شوند. Dahanay و همکاران (۲۰۰۳) مطالعاتی در زمینه تنوع و تجمع ماکروبتوتوزها در سری لانکا با توجه به شرایط محیط انجام داده و اعلام داشتند که ترکیب و وفور موجودات کفزی در رابطه تنگاتنگ با کیفیت آب و محیط آبی است و بنابراین موجودات کفزی نمایانگر خوبی از شرایط گذشته و حال آب می‌باشد. Cesar (۱۹۹۸) مطالعاتی در زمینه ماکروبتوتیک‌های بی‌مهره به عنوان غذای میگو پنائیده در استخر پرورشی در برزیل انجام دادند که در این مطالعه اهمیت موجودات ریزبی‌مهره به عنوان منبع غذای طبیعی خصوصاً به صورت ترکیب با غذای تکمیلی تشریح گردید.

به دلیل نقش مهم این موجودات در زنجیره غذایی زیست بوم‌های آبی و از آنجایی که بررسی شرایط محیطی استخرهای پرورشی موجب دستیابی به تولید بیشتر و افزایش بهره‌وری در پرورش آبزیان می‌گردد، لذا این تحقیق بر روی انواع، تعداد و تغییرات کفزیان در طول یک دوره پرورش و همچنین اندازه‌گیری فاکتورهای تأثیرگذار فیزیکی

و نمونه‌های مربوط به هر فراسنجه با استفاده از روش‌های موجود در آزمایشگاه آنالیز و ثبت گردیدند. از خاک کف استخر به منظور اندازه‌گیری میزان pH، میزان مواد آلی، قابلیت اکسیداسیون بالا، میزان آهن آزاد خاک و تعیین میزان آهک مورد نیاز جهت اصلاح pH خاک نمونه‌برداری صورت گرفت. این نمونه‌برداری از عمق ۱۵-۱۰ سانتی‌متری خاک و به تعداد ۲۰-۱۶ نمونه صورت گرفت. نقاط نمونه‌برداری به وسیله قطعات چوبی در تمام سطح استخر به حالت ستاره‌ای مشخص شده و در آن محل‌ها نمونه‌برداری انجام شد (شکل ۲).



شکل ۲: نقاط نمونه‌برداری از خاک کف استخر

فاکتورهای فیزیکی و شیمیایی آب

دمای آب و pH: این دو پارامتر با استفاده از دستگاه‌های دماسنج و pH متر دیجیتالی مدل ۳۲۰ (WTW) با دقت ۰/۰۱ به صورت روزانه و در دو نوبت ۶ صبح و ۲ بعد از ظهر در طول دوره پرورش (از ۸۹/۳/۳۱ تا ۸۹/۷/۲۰) در محل اندازه‌گیری شدند.

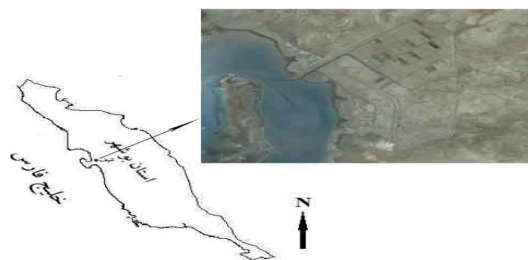
شوری و شفافیت آب: این دو فاکتور با استفاده از شوری‌سنج چشمی مدل ATAGO S/Mill دستگاه تعیین شفافیت آب (ساجی دیسک) به

و شیمیایی آب بر رشد و سلامت میگو، و ارایه راه‌کارهای ویژه در جهت بهبود کیفیت آب استخرهای پرورشی میگوی پاسبید در طول فصل پرورش در منطقه شیف بوشهر صورت گرفت.

مواد و روش‌ها

منطقه مورد مطالعه

محل اجرای تحقیق سایت پرورش میگوی شیف بوشهر با مختصات جغرافیایی $29^{\circ} 4'$ شمالی و $57^{\circ} 50'$ شرقی واقع در ۳۰ کیلومتری شمال شرق بوشهر انجام گرفته است (شکل ۱).



شکل ۱: موقعیت سایت پرورش میگوی شیف بوشهر

به‌منظور دستیابی به اهداف تحقیق، مطالعات حول دو محور، شامل شاخص‌های غیرزیستی (دمای آب، pH، شوری، اکسیژن محلول، نترات، نیتريت، آمونیاک، فسفر) و زیستی آب (ماکروفون‌ها) صورت گرفت. در این راستا نمونه‌برداری از آب در عمق میانی و از رسوب توسط دستگاه بنتوزگیر (Van Veen Grab) با سطح مقطع ۲۵۰ سانتی‌متر مربع صورت گرفت. شایان ذکر است که نمونه‌های آب و رسوب پس از جمع‌آوری در ظروف مخصوص با توجه به نوع فراسنجه توسط محلول‌های مختلف ثابت شده و تحت شرایط خاص به آزمایشگاه جهت آنالیز منتقل

مرکزی و خروجی استخر برداشت شد. نمونه برداری بادستگاه بتسوزگیر (Van Veen Grab) با سطح پوشش ۲۵۰ سانتی متر مربع به طور ماهانه و با ۲ تکرار انجام شد و فوراً در فرمالین ۳ تا ۵ درصد تثبیت شدند. در آزمایشگاه نمونه‌ها از یک غربال ۵۰۰ میکرومتر برای تهیه ماکروبتوزها گذرانده و شستشو داده شد. جهت رنگ آمیزی آن‌ها از محلول یک گرم در لیتر روزبنگال به مدت ۴۵ دقیقه بهره‌گیری شد (Mcintyre and Eleftheriou, 2005). نمونه‌های ماکروبتوز موجود در الک ۰/۵ میلی متری پس از تثبیت و رنگ آمیزی تا زمان شناسایی در محلول الکل اتیلیک ۷۰ درجه نگهداری شدند. سپس با لوپ و میکروسکوپ تمام ارگانیسرها شمارش و مطابق با گروه‌های اصلی گروه‌بندی و شناسایی شدند.

با تجزیه و تحلیل رسوبات جهت تعیین ترکیب فراوانی ماکروبتوز وجود سه گروه اصلی یعنی بندپایان (سخت‌پوستان و حشرات)، نرم‌تنان (شکم‌پایان و دوکفه‌ای‌ها) و کرم‌های حلقوی (کرم پرتار) مورد مطالعه و شناسایی قرار گرفت.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS 18 ضریب همبستگی پیرسون بین داده‌های به دست آمده و میانگین وزن و طول میگوها مورد بررسی قرار گرفت. بدین صورت که با استفاده از آزمون چند متغیره رابطه بین داده‌های موجود و با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون، تأثیر داده‌های موجود بر روی یکدیگر و در ادامه معنی دار بودن و نبودن این

صورت روزانه و در دو نوبت ۶ صبح و ۲ بعد از ظهر در طول دوره پرورش در محل اندازه‌گیری شد. در طی این مدت کلیه فاکتورهای فوق بر اساس روش کار Mandal در سال (۱۹۹۸) اندازه‌گیری شدند.

فاکتورهای کیفیت آب: نیترات (NO_3)، میزان نیترات نمونه با استفاده از دستگاه اسپکتروفتومتر مدل HACH DR / 2000 در طول موج ۵۰۰ نانومتر به صورت ماهانه در طول دوره پرورش اندازه‌گیری گردید. نیتريت (NO_2)، میزان نیتريت نمونه‌ها با استفاده از دستگاه اسپکتروفتومتر مدل HACH DR / 2000 در طول موج ۵۰۷ نانومتر به صورت ماهانه در طول دوره پرورش اندازه‌گیری گردید. آمونیاک (NH_4)، سنجش نمونه‌ها در طول موج ۶۵۵ نانومتر با استفاده از دستگاه اسپکتروفتومتر به صورت ماهانه در طول دوره پرورش اندازه‌گیری گردید. فسفات کل (TP)، میزان فسفات کل با استفاده از دستگاه اسپکتروفتومتر در طول موج ۸۹۰ نانومتر به صورت ماهانه در طول دوره پرورش اندازه‌گیری گردید (سنجش فاکتورهای فوق بر اساس دستورالعمل دستگاه اسپکتروفتومتر مدل HACH DR / 2000 صورت گرفت). کلیه فاکتورهای فوق بر اساس دستورالعمل‌های عنوان شده در کاتالوگ دستگاه صورت گرفت (Moopam, 1999).

ماکروبتوزها

به منظور بررسی ماکروبتوزها در هر استخر با عمق ۱ تا ۱/۲ متر نمونه رسوب از محل ورودی،

تأثیر از طریق آنالیز واریانس یک طرفه (ANOVA) و آزمون Tukey HSD مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج

نتایج حاصل از بررسی فاکتورهای فیزیکی و شیمیایی آب (درجه حرارت آب، اکسیژن محلول در آب، pH و شوری) در استخرهای پرورش میگوی سفید غربی سایت پرورش میگوی شیخ استان بوشهر حاکی از آن بود که در طول دوره پرورش بیشترین و کمترین میزان درجه حرارت آب مربوط به استخرهای شماره ۳ و ۱ در ساعات ۶ صبح با میزان $26/01 \pm 0/45$ ، $25/74 \pm 0/54$ و در ساعت ۲ بعداز ظهر $28/44 \pm 0/43$ و $28/08 \pm 0/55$ درجه سانتی گراد بود. در رابطه با اکسیژن محلول در آب مشاهده شد که کمترین میزان این فاکتور در ساعات ۶ صبح و ۲ بعداز ظهر به ترتیب مربوط به استخرهای شماره ۱ و ۳ با میزان $4/26 \pm 0/08$ ، $6/74 \pm 0/03$ و بیشترین میزان به ترتیب مربوط به استخرهای شماره ۲ و ۱ با میزان $4/36 \pm 0/04$ و $7/72 \pm 0/03$ بود. از سوی دیگر بیشترین و کمترین میزان pH در ساعات ۶ صبح و ۲ بعداز ظهر به ترتیب مربوط به استخرهای ۱ و ۳ با میزان $8/82 \pm 0/02$ و $7/54 \pm 0/08$ ، $8/89 \pm 0/03$ و $7/67 \pm 0/01$ بود (جدول ۱). همچنین نتایج به دست آمده نشان داد که بیشترین و کمترین میزان شوری به ترتیب مربوط به استخر شماره ۱ و شماره ۳ با میزان ppt ۵۳ و ppt ۴۶ می باشد (جدول ۲).

همچنین نتایج مربوط به سنجش فاکتورهای کیفیت آب (فسفات کل، آمونیاک، نیتريت و نترات) استخرهای مورد مطالعه در طول دوره پرورش نشان دهنده این مطلب بود که حداکثر و حداقل فسفات کل در طول دوره پرورش به ترتیب $0/033 \pm 0/0167$ و $0/001 \pm 0/01$ میلی گرم در لیتر بود. در رابطه با فاکتور آمونیاک مشاهده شد که حداکثر و حداقل به ترتیب $0/033 \pm 0/012$ و $0/001 \pm 0/001$ میلی گرم در لیتر و حداکثر و حداقل فاکتور نیتريت و نترات به ترتیب $0/066 \pm 0/063$ ، $0/0033 \pm 0/0003$ و $0/081 \pm 0/0766$ ، $0/001 \pm 0/0003$ میلی گرم در لیتر اندازه گیری شد (جدول ۳، ۴ و ۵). از این رو نتایج حاصل از آنالیز آماری نشان داد که رابطه همبستگی میان فاکتور فسفات کل با وزن و طول میگوها دارای یک رابطه منفی معنی دار می باشد ($P < 0/05$) (شکل ۳). در حالی که رابطه همبستگی مثبت معنی دار میان نترات با وزن و طول میگوها وجود داشت ($P < 0/05$) (شکل ۴). از سوی دیگر با وجود منفی بودن رابطه همبستگی میان نیتريت و آمونیاک با وزن و طول، هیچگونه تفاوت معنی دار آماری مشاهده نشد ($P > 0/05$) (شکل های ۵ و ۶). همچنین بررسی نتایج آماری نشان داد که یک رابطه منفی میان درجه حرارت و اکسیژن محلول در آب در ساعات ۶ صبح و ۲ بعد از ظهر با وزن و طول وجود دارد که این رابطه از لحاظ آماری کاملاً معنی دار بود ($P < 0/05$). لذا مشاهده شد که رابطه میان درجه حرارت آب در ساعت ۶ صبح با میزان اکسیژن محلول در آب در همین ساعت از یک رابطه منفی معنی دار بر خوردار

می‌باشد ($P < 0/05$) از سوی دیگر رابطه مشابه‌ای نیز
 اکسیژن محلول در آب مشاهده شد که این رابطه
 میان درجه حرارت آب در ساعت ۲ بعد از ظهر با
 نیز از لحاظ آماری کاملاً معنی‌دار بود ($P < 0/05$).

جدول ۱: فاکتورهای فیزیکی و شیمیایی (میانگین \pm انحراف معیار) در سه استخر مورد مطالعه در دوره پرورش

فراسنجه	روز				
	۱۲۰	۹۰	۷۵	۵۵	۳۰
دمای آب ۶ صبح (سانتی گراد)	۲۲/۶۷ \pm ۳/۳۵ $\times 10^{-1}$	۲۴/۶۷ \pm ۳/۳۸ $\times 10^{-1}$	۲۵/۶۷ \pm ۳/۳۵ $\times 10^{-1}$	۲۷/۶۷ \pm ۳/۳۵ $\times 10^{-1}$	۲۸/۰۱ \pm ۵ $\times 10^{-2}$
	۲۳/۴۹ \pm ۳/۳۵ $\times 10^{-1}$	۲۴/۶۸ \pm ۳/۴۱ $\times 10^{-1}$	۲۵/۶۸ \pm ۳/۴۱ $\times 10^{-1}$	۲۷/۶۷ \pm ۳/۳۵ $\times 10^{-1}$	۲۸/۰۳ \pm ۵/۷۷ $\times 10^{-2}$
	۲۴/۰۲ \pm ۸/۸ $\times 10^{-2}$	۲۴/۶۷ \pm ۳/۳۵ $\times 10^{-1}$	۲۵/۶۷ \pm ۳/۳۵ $\times 10^{-1}$	۲۷/۶۸ \pm ۳/۳۸۶ $\times 10^{-1}$	۲۸/۰۱ \pm ۱/۱۵ $\times 10^{-2}$
دمای آب ۲ بعد از ظهر (سانتی گراد)	۲۵/۱ \pm ۵/۷ $\times 10^{-2}$	۲۶/۷ \pm ۳/۵۱ $\times 10^{-1}$	۲۸/۲ \pm ۵/۷۷ $\times 10^{-2}$	۳۰/۰۴ \pm ۳/۰۵ $\times 10^{-2}$	۳۰/۳۳ \pm ۶/۶۶ $\times 10^{-1}$
	۲۶/۱ \pm ۵/۷۷ $\times 10^{-2}$	۲۶/۷ \pm ۳/۵۱ $\times 10^{-1}$	۲۸/۳۳ \pm ۱/۲۰ $\times 10^{-1}$	۲۹/۸۳ \pm ۴/۱۷ $\times 10^{-1}$	۳۰/۳۳ \pm ۶/۶۶ $\times 10^{-1}$
	۲۶/۸۰ \pm ۲/۵۱۶ $\times 10^{-1}$	۲۶/۷۳ \pm ۳/۷۱۱ $\times 10^{-1}$	۲۸/۳ \pm ۲/۰۸۱ $\times 10^{-1}$	۳۰/۰۶ \pm ۱/۲۰۱ $\times 10^{-1}$	۳۰/۳۳ \pm ۶/۶۶ $\times 10^{-1}$
اکسیژن ۶ صبح (میلی گرم در لیتر)	۳/۹۷ \pm ۳/۳۶ $\times 10^{-1}$	۴/۲۴ \pm ۴/۱۷ $\times 10^{-2}$	۴/۰۳ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$	۴/۵۱ \pm ۵/۸۵ $\times 10^{-2}$	۴/۵۳ \pm ۳/۱۸ $\times 10^{-2}$
	۴/۲۱ \pm ۵/۷ $\times 10^{-2}$	۴/۴۱ \pm ۸/۸ $\times 10^{-2}$	۴/۵۴ \pm ۳/۰۵ $\times 10^{-2}$	۴/۱۳ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$	۴/۵۳ \pm ۸/۸ $\times 10^{-2}$
	۴/۲۸ \pm ۱/۸۵ $\times 10^{-2}$	۴/۱ \pm ۵/۷۷ $\times 10^{-2}$	۴/۴۰ \pm ۶/۰۶ $\times 10^{-2}$	۴/۴۴ \pm ۳/۰۵ $\times 10^{-2}$	۴/۵۵ \pm ۲/۸۸ $\times 10^{-2}$
اکسیژن ۲ بعد از ظهر (میلی گرم در لیتر)	۶/۷۵ \pm ۸/۸ $\times 10^{-2}$	۶/۷۱ \pm ۵/۷ $\times 10^{-2}$	۶/۶۳ \pm ۳/۱۸ $\times 10^{-2}$	۶/۶ \pm ۵/۷۷ $\times 10^{-2}$	۶/۹۱ \pm ۸/۸ $\times 10^{-2}$
	۶/۶۲ \pm ۱/۵۱ $\times 10^{-2}$	۶/۸۷ \pm ۳/۵۱ $\times 10^{-2}$	۶/۷۴ \pm ۲/۸۴ $\times 10^{-2}$	۶/۶۳ \pm ۶/۸۳ $\times 10^{-2}$	۶/۸۸ \pm ۴/۴۱ $\times 10^{-2}$
	۶/۶۹ \pm ۱/۲۰ $\times 10^{-2}$	۶/۷۱ \pm ۸/۸ $\times 10^{-2}$	۶/۵۶ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$	۶/۷۸ \pm ۳/۰۵ $\times 10^{-2}$	۶/۹۴ \pm ۸/۸ $\times 10^{-2}$
pH ۶ صبح	۷/۳۳ \pm ۸/۸۱ $\times 10^{-2}$	۷/۳۶ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$	۷/۳۶ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$	۷/۵۳ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$	۸/۱۳ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$
	۷/۶ \pm	۷/۷۶ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$	۷/۸۳ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$	۷/۶ \pm	۷/۹ \pm
	۷/۷ \pm	۷/۶۶ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$	۷/۶ \pm	۷/۳۳ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$	۷/۶۶ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$
pH ۲ بعد از ظهر	۸/۸۶ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$	۸/۸۳ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$	۸/۹۳ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$	۸/۹ \pm	۸/۹۳ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$
	۸/۸۶ $\times 10^{-2}$ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$	۸/۸۶ $\times 10^{-2}$ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$	۸/۸۶ $\times 10^{-2}$ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$	۸/۷۳ $\times 10^{-2}$ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$	۸/۷۶ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$
	۷/۸۶ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$	۸/۶۶ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$	۸/۶ \pm	۸/۹۳ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$	۸/۸۳ \pm ۳/۳۳ $\times 10^{-2}$

جدول ۲: میانگین شوری آب در سه استخر مورد مطالعه در دوره پرورش

فراسنجه	روز				
	۱۲۰	۹۰	۷۵	۵۵	۳۰
شوری	۵۷	۵۳	۵۱	۴۸	۴۷
(میلی گرم در لیتر)	۴۶	۴۷	۴۸	۵۰	۵۳
	۵۲	۴۹	۴۸	۴۷	۴۷

در رابطه با فاکتور pH مشاهده شد که فاکتور مورد نظر در ساعت ۶ صبح با وزن و طول میگوها از یک رابطه منفی معنی‌دار برخوردار بود ($P < 0/05$) لیکن با وجود منفی بودن رابطه میان این فاکتور در ساعت ۲ بعد از ظهر با وزن و طول میگوها هیچگونه تفاوت آماری معنی‌دار مشاهده نشد ($P > 0/05$) (جدول ۶) (شکل‌های ۳ و ۴). در انتها بررسی نتایج به‌دست آمده از سنجش وزن و طول میگوهای مورد مطالعه نشان‌دهنده این مطلب

بود که در طول مطالعه میانگین وزن و طول میگوها (میانگین \pm انحراف معیار) به صورت پله‌ای افزایش یافته بطوری که اختلاف به‌دست آمده از لحاظ آماری کاملاً معنی‌دار بود ($P < 0/05$) (جدول ۷) (شکل ۷ و ۸). گفتنی است نتایج مربوط به سنجش ارتفاع آب، شفافیت، بازماندگی و ضریب تبدیل غذایی استخرهای مختلف در جدول ۸ نشان داده شده است.

جدول ۳: میانگین فاکتورهای کیفیت آب (میانگین \pm انحراف معیار) در استخر ۱ در دوره پرورش

روز	پارامتر (میلی گرم در لیتر)				
	۱۲۰	۹۰	۷۵	۵۵	۳۰
نترات (NO_3)	$1/866 \times 10^{-1} \pm 2/027 \times 10^{-1}$	$2 \pm 5/77 \times 10^{-1}$	$2/446 \pm 3/33 \times 10^{-2}$	$0/7 \pm 0$	$1/866 \times 10^{-1} \pm 2/027 \times 10^{-1}$
نیتريت (NO_2)	$1/03 \times 10^{-2} \pm 3/3 \times 10^{-3}$	$1/2 \times 10^{-2} \pm 3 \times 10^{-3}$	$2/7 \times 10^{-2} \pm 8/8 \times 10^{-4}$	$3 \times 10^{-2} \pm 3/3 \times 10^{-4}$	$1/03 \times 10^{-2} \pm 3/3 \times 10^{-3}$
فسفات کل (PO_4^{3-})	$1/0167 \pm 3/3 \times 10^{-3}$	$7/33 \times 10^{-2} \pm 1/2 \times 10^{-2}$	$4/67 \times 10^{-2} \pm 6/6 \times 10^{-3}$	$5/33 \times 10^{-2} \pm 2/33 \times 10^{-2}$	$1/0167 \pm 3/3 \times 10^{-3}$
آمونیاک ($\text{NH}_3\text{-N}$)	$1 \times 10^{-4} \pm 8/77 \times 10^{-5}$	$3/33 \times 10^{-2} \pm 1/2 \times 10^{-2}$	$3/3 \times 10^{-2} \pm 3/3 \times 10^{-2}$	$1 \times 10^{-4} \pm 5/77 \times 10^{-5}$	$1 \times 10^{-4} \pm 8/77 \times 10^{-5}$

جدول ۴: میانگین فاکتورهای کیفیت آب (میانگین \pm انحراف معیار) در استخر ۲ در دوره پرورش

روز	پارامتر (میلی گرم در لیتر)				
	۱۲۰	۹۰	۷۵	۵۵	۳۰
نترات (NO_3)	$2/166 \pm 3/3 \times 10^{-2}$	$1/266 \pm 3/3 \times 10^{-2}$	$2/766 \pm 8/81 \times 10^{-2}$	$7/33 \times 10^{-1} \pm 8/81 \times 10^{-2}$	$1/766 \pm 8/81 \times 10^{-2}$
نیتريت (NO_2)	$3/3 \times 10^{-2} \pm 1/53 \times 10^{-3}$	$1/17 \times 10^{-2} \pm 3/53 \times 10^{-3}$	$1/7 \times 10^{-2} \pm 8/8 \times 10^{-4}$	$3/3 \times 10^{-2} \pm 3/3 \times 10^{-3}$	$6/33 \times 10^{-2} \pm 6/66 \times 10^{-2}$
فسفات کل (PO_4^{3-})	$2/067 \times 10^{-1} \pm 3/18 \times 10^{-2}$	$2/33 \times 10^{-2} \pm 6/67 \times 10^{-3}$	$1/33 \times 10^{-2} \pm 3/3 \times 10^{-3}$	$5/33 \times 10^{-2} \pm 3/3 \times 10^{-3}$	$1/016 \pm 6/6 \times 10^{-3}$
آمونیاک ($\text{NH}_3\text{-N}$)	$1/67 \times 10^{-2} \pm 6/6 \times 10^{-3}$	$6/7 \times 10^{-2} \pm 6/67 \times 10^{-3}$	$3/3 \times 10^{-2} \pm 3/3 \times 10^{-3}$	$3/3 \times 10^{-2} \pm 3/3 \times 10^{-3}$	± 0

جدول ۵: میانگین فاکتورهای کیفیت آب (میانگین \pm انحراف معیار) در استخر ۳ در دوره پرورش

پارامتر (میلی گرم در لیتر)	روز				
	۳۰	۵۵	۷۵	۹۰	۱۲۰
نیترات (NO ₃)	$1/8 \pm 1/732 \times 10^{-1}$	$1/066 \pm 8/81 \times 10^{-2}$	$2/2 \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$1/83 \pm 6/66 \times 10^{-2}$	$2/03 \pm 1/333 \times 10^{-1}$
نیتريت (NO ₂)	$3/77 \times 10^{-2} \pm 2/61 \times 10^{-2}$	$1 \times 10^{-2} \pm 5 \times 10^{-4}$	$3/3 \times 10^{-2} \pm 3/3 \times 10^{-4}$	$8/3 \times 10^{-2} \pm 2 \times 10^{-2}$	$1/03 \times 10^{-2} \pm 8/8 \times 10^{-4}$
فسفات كل (PO ₄ ⁻³)	$1/023 \pm 8/8 \times 10^{-2}$	$3/67 \times 10^{-2} \pm 8/8 \times 10^{-2}$	$3/67 \times 10^{-2} \pm 3/33 \times 10^{-2}$	$1 \times 10^{-2} \pm$	$1/867 \times 10^{-1} \pm 3/71 \times 10^{-2}$
آمونیاك (NH ₃ -N)	± 0	± 0	± 0	$3/3 \times 10^{-2} \pm 3/33 \times 10^{-2}$	$2/67 \times 10^{-1} \pm 8/8 \times 10^{-2}$

جدول ۶: میزان ضریب همبستگی پیرسون میان وزن و طول با فاکتورهای فیزیکی و شیمیایی و کیفیت آب

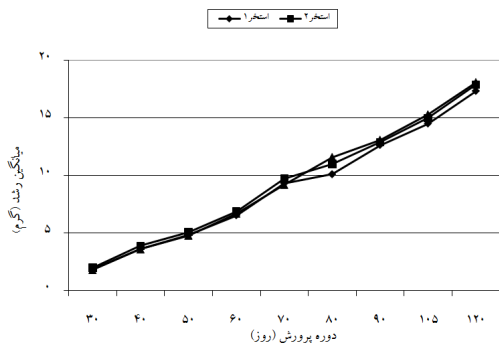
فاکتور پارامتر	فسفات كل نیترات نیتريت آمونیاك	دمای ۶ صبح ۲ بعدازظهر	اکسیژن ۶ صبح ۲ بعدازظهر	اکسیژن ۶ صبح ۲ بعدازظهر	pH ۶ صبح ۲ بعدازظهر	pH ۶ صبح ۲ بعدازظهر	شوری	ضریب همبستگی پیرسون		
								P value	P value	
وزن	$0/330$	$0/258$	$0/321$	$0/949$	$0/920$	$0/516$	$0/384$	$0/454$	$0/122$	$0/795$
P value	$0/000$	$0/027$	$0/087$	$0/032$	$0/000$	$0/000$	$0/000$	$0/002$	$0/425$	$0/000$
طول	$0/288$	$0/267$	$0/294$	$0/946$	$0/919$	$0/526$	$0/391$	$0/472$	$0/112$	$0/783$
P value	$0/000$	$0/055$	$0/077$	$0/000$	$0/000$	$0/000$	$0/000$	$0/001$	$0/465$	$0/000$

جدول ۷: میانگین وزن و طول (میانگین \pm انحراف معیار) میگوهای پرورشی در استخرهای ۱، ۲ و ۳ در دوره پرورش

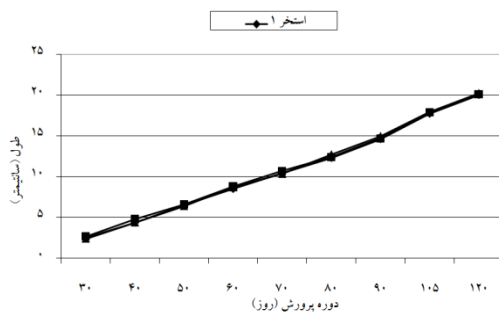
استخر	روز پارامتر	روز				
		۳۰	۵۵	۷۵	۹۰	۱۲۰
۱	وزن (گرم)	$1/90 \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$4/82 \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$9/33 \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$12/66 \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$17/35 \pm 5/77 \times 10^{-2}$
	طول (سانتی متر)	$2/5 \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$6/48 \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$10/48 \pm 3/51 \times 10^{-2}$	$14/60 \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$20/03 \pm 3/3 \times 10^{-2}$
۲	وزن (گرم)	$2 \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$5/1 \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$9/72 \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$12/9 \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$17/9 \pm 5/77 \times 10^{-2}$
	طول (سانتی متر)	$2/7 \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$6/6 \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$10/77 \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$14/7 \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$20/1 \pm 5/77 \times 10^{-2}$
۳	وزن (گرم)	$1/8 \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$4/79 \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$9/2 \times 10^{-2} \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$13/1 \times 10^{-2} \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$18/1 \pm 5/77 \times 10^{-2}$
	طول (سانتی متر)	$2/4 \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$6/4 \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$10/33 \pm 5/77 \times 10^{-2}$	$14/92 \pm 4/66 \times 10^{-2}$	$20/2 \pm 5/77 \times 10^{-2}$

جدول ۸: میانگین ارتفاع آب، شفافیت (میانگین \pm انحراف معیار) و درصد بازماندگی و ضریب تبدیل غذایی در ۳ استخر مورد مطالعه

پارامتر	استخر		
	استخر ۱	استخر ۲	استخر ۳
شفافیت (سانتی متر)	$73/54 \pm 4/87$	$51/67 \pm 2/92$	$69/94 \pm 3/78$
ارتفاع آب (سانتی متر)	$102/66 \pm 1/43$	$199/84 \pm 3/09$	$123/34 \pm 2/93$
بازماندگی (درصد)	۶۰	۷۵	۷۰
ضریب تبدیل غذایی	۱/۹	۱/۲	۱/۴



شکل ۷: میانگین وزن (میانگین \pm انحراف معیار) میگوهای استخرهای تحت آزمایش در طول دوره پرورش

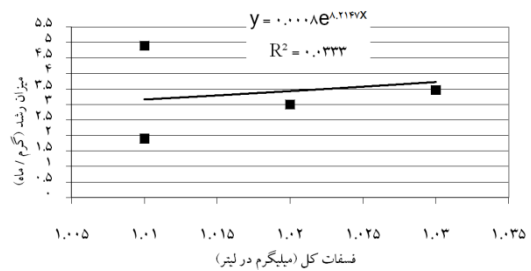


شکل ۸: میانگین طول (میانگین \pm انحراف معیار) میگوهای استخرهای تحت آزمایش در طول دوره پرورش

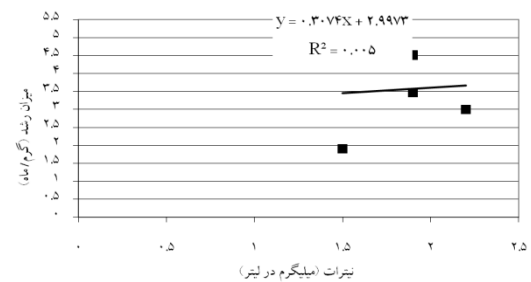
نتایج حاصل از شناسایی ماکروبتوزها در متر مربع از کف استخرهای مورد مطالعه مربوط به سه رده شکم پایان، دوکفه‌ای‌ها و کرم‌های پرتار بود (جدول ۹) که نتایج فراوانی آن‌ها و روند فراوانی آن‌ها در استخرهای ۱، ۲ و ۳ از تیر تا مهر ماه در شکل ۹ نمایش داده شده است.

بحث

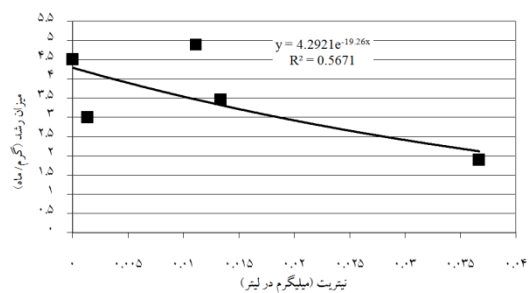
میزان رشد، درصد بازماندگی و میزان تولید در مزارع پرورشی تحت تأثیر عوامل مختلفی از قبیل شوری، دما، pH، اکسیژن محلول در آب و مواد مغذی می‌باشد. دمای مناسب جهت پرورش اکثر



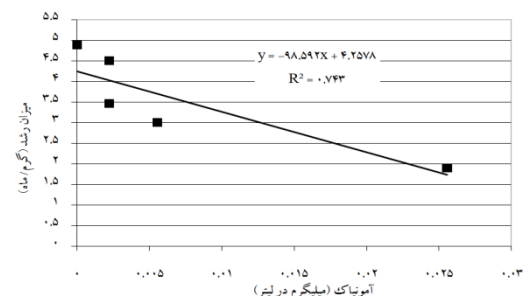
شکل ۳: رابطه همبستگی میان فسفات کل (میلی گرم در لیتر) با میزان رشد میگوها (گرم در هفته)



شکل ۴: رابطه همبستگی میان نیترات (میلی گرم در لیتر) با میزان رشد میگوها (گرم در هفته)



شکل ۵: رابطه همبستگی میان نیتريت (میلی گرم در لیتر) با میزان رشد میگوها (گرم در هفته)

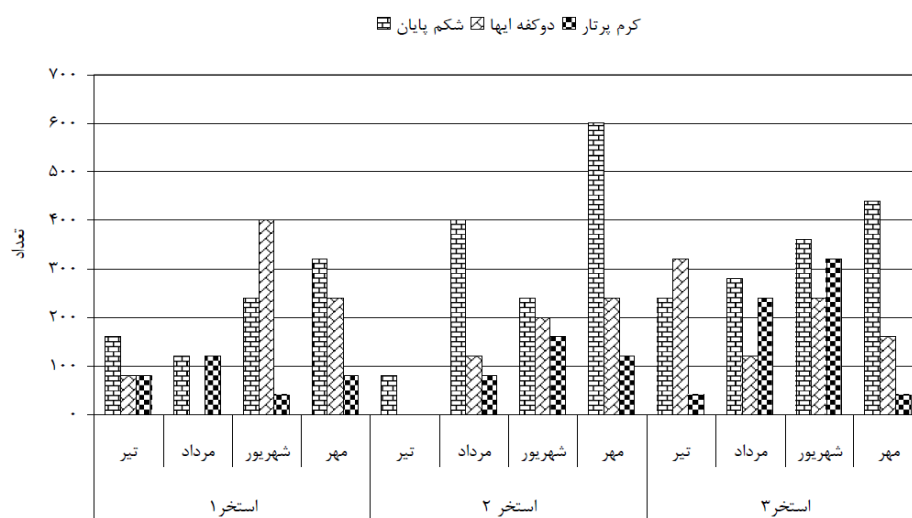


شکل ۶: رابطه همبستگی میان آمونیاک (میلی گرم در لیتر) با میزان رشد میگوها (گرم در هفته)

گونه‌های میگو خانواده پنائیده در دامنه ۲۸-۳۲ درجه سانتی گراد قرار دارد. دامنه دمایی گزارش شده برای پرورش میگوی سفید غربی در محدوده ۲۶-۳۳ درجه سانتی گراد (Paiva Maia et al., 2011) اعلام شده است.

جدول ۹: تعداد ماکروبتوزهای شناسایی شده در هر متر مربع از کف استخرهای پرورشی میگو در ماه‌های مختلف سال

زمان	استخر ۱	استخر ۲	استخر ۳	شکم پایان	دوکفه ایها	کرم پرتار	شکم پایان	دوکفه ایها	کرم پرتار
تیر	۸۰	۸۰	۸۰	۱۶۰	۰	۰	۲۴۰	۳۲۰	۴۰
مرداد	۰	۱۲۰	۴۰۰	۱۲۰	۸۰	۱۲۰	۲۸۰	۱۲۰	۲۴۰
شهریور	۴۰۰	۲۴۰	۴۰	۲۴۰	۱۶۰	۲۰۰	۳۶۰	۲۴۰	۳۲۰
مهر	۲۴۰	۸۰	۶۰۰	۳۲۰	۲۴۰	۲۴۰	۴۴۰	۱۶۰	۴۰



شکل ۹: روند فراوانی ماکروبتوزهای استخرهای مختلف در ماه‌های تیر، مرداد، شهریور و مهر

همکاران (۱۳۸۸) در استخرهای پرورش میگوی حله استان بوشهر گزارش شد. از سوی دیگر نتایج حاصل از آزمون آنالیز واریانس یک طرفه نشان داد که درجه حرارت آب استخرهای پرورش میگو در ابتدای دوره پرورش به طور معنی داری بیشتر از

با توجه به اینکه سایت پرورش میگوی شیف در یکی از مناطق خشک و گرمسیری کشور قرار گرفته، دامنه دمائی استخرهای پرورشی در این منطقه در محدوده ۲۲-۳۱ درجه سانتی گراد قرار دارد. نتایج مشابهی (۲۵-۳۰°C) توسط پذیر و

سایر روزهای پرورش بود ($P < 0/05$). با توجه به اینکه دمای آب یکی از مهم‌ترین فاکتورهای غیرزیستی مرتبط با کیفیت آب می‌باشد، بسیاری از عوامل از جمله تغییرات دمایی محیط می‌تواند موجب ایجاد نوسانات در میزان این فاکتور گردد. لیکن با نزدیک شدن به انتهای دوره پرورش و کاهش دمای محیط به تدریج از میزان این فاکتور کاسته شد به طوری که این کاهش از لحاظ آماری کاملاً معنی‌دار بود ($P < 0/05$). از این رو در ابتدای دوره پرورش حداکثر میزان دمای صبح و بعد از ظهر به ترتیب $28/03 \pm 0/01$ و $31/03 \pm 0/66$ درجه سانتی‌گراد بود که به دنبال کاهش ایجاد شده حداقل دمای آب در صبح و بعد از ظهر به ترتیب $22/67 \pm 0/33$ و $25/1 \pm 0/05$ درجه سانتی‌گراد ثبت گردید. با توجه به اثر درجه حرارت بر روی فعالیت‌های زیستی، این مطالعه نشان داد که یک رابطه همبستگی منفی معنی‌دار میان درجه حرارت آب در صبح و بعد از ظهر با میانگین وزن و طول میگوها وجود دارد ($P < 0/05$). لذا پائین بودن میانگین وزن و طول میگوهای استخرهای ۱ و ۳ نسبت به استخر ۲ ($P > 0/05$) ممکن است به دلیل بالا بودن درجه حرارت آب در استخرهای ۱ و ۳ نسبت به استخر ۲ باشد ($P > 0/05$).

عواملی همچون بارش و تبخیر از جمله عوامل تأثیرگذار بر روی نوسانات شوری در مزارع پرورش میگو محسوب می‌شوند. Briggs و همکاران (۲۰۰۴) عنوان نمودند که میگوی پارس سفید غربی قادر است درجات مختلف شوری از ۰-۵۰ ppt را تحمل نماید. از این رو شوری مطلوب

برای پرورش این گونه در دامنه شوری ppt ۲۵-۱۵ قرار دارد. از آنجا که آبگیری استخرهای پرورش میگو در سایت شیف تنها توسط آب دریا (۴۵ ppt) صورت می‌گیرد لذا به دلیل بالا بودن دمای هوا و افزایش میزان تبخیر آب از سطح، شوری آب استخرها بسیار بیشتر از شوری ارائه شده توسط بود. به طوری که میزان شوری آب در طول دوره پرورش در دامنه ppt ۴۶-۵۷ قرار داشت این در حالی بود که شوری آب در استخرهای پرورش میگوی حله بوشهر در دامنه ppt ۳۹/۱-۵۰ قرار داشت که از جمله دلایل پایین بودن میزان شوری آب در این منطقه نسبت به منطقه مورد مطالعه، تنظیم شوری آب استخرها با استفاده آب شیرین رودخانه حله بود (پذیر و همکاران، ۱۳۸۸). افزایش شوری آب در استخرهای پرورش، باعث می‌شود بدن میگوها برای تنظیم فشار اسمزی مقادیر زیادی آب از دست دهند (Van Wyk et al., 1999) لذا میگوها می‌بایست مقادیر بیشتری انرژی صرف کرده که این امر با افزایش تغذیه، بالا رفتن ضریب تبدیل غذایی در استخر و در نهایت کاهش میزان تولید همراه خواهد گردید. نتایج حاصل از آنالیز آماری نشان دهنده این مطلب بود که یک رابطه منفی معنی‌دار میان میزان شوری و میانگین وزن و طول میگوها وجود دارد ($P < 0/05$) بطوری که میزان شوری در استخرهای ۱ و ۳ به طور معنی‌داری بیشتر از استخر ۲ بود ($P < 0/05$) لذا بررسی نتایج نشان داد که درصد بازماندگی و ضریب تبدیل غذایی در استخر ۲ به طور معنی‌داری نسبت به استخرهای ۱ و ۳ بیشتر می‌باشد ($P < 0/05$) لیکن از جمله دلایل عدم

افزایش شوری در استخر ۲ ممکن است کاهش تبخیر آب ایجاد شده به دلیل افزایش بلوم فیتوپلانکتونی و ارتفاع آب استخر باشد.

نگهداری مناسب غلظت اکسیژن در آب برای تولید موفق ضروری می‌باشد. اکسیژن محلول در استخر می‌تواند تحت تأثیر فرآیند فتوسنتز و تنفس روزانه تغییر کند. لذا با افزایش طول روز و به دنبال فرآیند فتوسنتز میزان اکسیژن محلول در آب به تدریج افزایش یافته بطوری که بیش‌ترین میزان در بعد از ظهر مشاهده می‌گردد. از دیگر عواملی که موجب انتقال و انتشار اکسیژن از هوا در آب می‌شوند می‌توان به انتشار مستقیم اکسیژن از اتمسفر به آب، هوادهای مکانیکی، جریان (تعویض) آب، باد و امواج اشاره نمود. همانگونه که عنوان شد دمای آب می‌تواند بر روی کلیه فرآیندهای شیمیایی و بیولوژیک تأثیرگذار باشد. بطور کلی میزان فرآیندهای بیولوژیک از قبیل رشد و تنفس به ازای هر ۱۰ درجه سانتی‌گراد افزایش دما دو برابر می‌شود. این بدین معنی است که رشد اغلب میگوها در دمای ۳۰ درجه سانتی‌گراد نسبت به دمای ۲۰ درجه سانتی‌گراد دو برابر بیشتر می‌باشد، در نتیجه به دنبال افزایش دما نیاز به مصرف اکسیژن نیز دو برابر افزایش پیدا می‌کند و از آنجا که یک رابطه معکوس میان درجه حرارت آب با اشباعیت اکسیژن در آب و متابولسیم موجودات آبی وجود دارد (Lazur, 2007)، لذا نتایج به‌دست آمده از مطالعه حاضر حاکی از این مطلب بود که حداقل و حداکثر اکسیژن محلول در آب در ساعات اولیه صبح و بعد از ظهر به ترتیب ۴/۶ - ۳/۳ میلی‌گرم

در لیتر و ۶/۹۶ - ۶/۵ میلی‌گرم در لیتر بود که این امر می‌تواند ناشی از عدم استفاده از هوادهای مکانیکی و عدم وزش بادهای سطحی باشد. از سوی دیگر یک رابطه همبستگی منفی معنی‌دار میان دمای صبح و بعد از ظهر با اکسیژن محلول در آب صبح و بعد از ظهر وجود داشت ($P < 0.05$). لذا در پی افزایش درجه حرارت آب در استخرهای ۱ و ۳ نسبت به استخر ۲، حلالیت اکسیژن محلول در آب در این استخر نسبت به دو استخر دیگر بیشتر بود لیکن تفاوت بوجود آمده از لحاظ آماری معنی‌دار نبود ($P > 0.05$) که این تا حدودی موجب بیشتر شدن میانگین وزن و طول میگوها در این استخر شده بود ($P > 0.05$).

در ضمن دامنه مطلوب pH برای پرورش میگوی سفید غربی از ۹/۰ - ۸/۱ می‌باشد (Hernandez and Nunes, 2001). میزان pH در طول روز افزایش یافته و در طول شب به دلیل مصرف اکسیژن استخر به دنبال عمل تنفس گیاهان و افزایش سطح دی‌اکسیدکربن کاهش پیدا می‌کند به‌طوری که در بعضی از مواقع این میزان می‌تواند تا ۶ به‌ویژه در اوایل صبح یا بعد از باران‌های سنگین کاهش پیدا کند. با توجه به نتایج به‌دست آمده مشاهده شد که pH در دامنه ۹ - ۷/۲ قرار داشت به‌طوری که حداقل و حداکثر pH در صبح و بعد از ظهر به ترتیب ۸/۲ - ۷/۲ و ۹ - ۸/۶ بود. همچنین نتایج آماری حاکی از این مطلب بود که رابطه همبستگی میان pH صبح با میانگین وزن و طول دارای یک رابطه منفی معنی‌دار بود ($P < 0.05$). در حالی که با وجود منفی بودن رابطه همبستگی pH

آهک جهت اتصال به فسفر (Briggs *et al.*, 2004) و استفاده از آهک در طول دوره پرورش این گونه به نظر می‌رسد که بخش اعظمی از فسفر موجود در استخر با اتصال به آهک از دسترس گیاهان آبی خارج شده و در رسوبات کف استخر مدفون می‌گردد. گفتنی است که غلظت فسفات کل در استخرهای نیمه متراکم (۰/۷۹ - ۰/۷۲ میلی گرم در لیتر) به طور معنی داری بیشتر از سایر سیستم‌ها (۰/۴ - ۰/۲۱ میلی گرم در لیتر) در طول ماه آخر پرورش بود این امر ناشی از استفاده کم آهک، اسیدی بودن خاک استخر و عدم حضور رسوبات در استخرهای خاکی بود.

نیتريت در غلظت‌های پائین برای میگوها استرس زا بوده بطوری که مقادیر پائین نیتريت (۵ میلی گرم در لیتر) موجب اختلال در انتقال اکسیژن به درون سلول و سیستم گردش خون می‌شود (Lazur, 2007). با توجه به نتایج به دست آمده مشاهده شد که میزان نیتريت در طول دوره پرورش ۰/۰۹ میلی گرم در لیتر بود که این میزان پائین تر از میزان سفارش شده (۰/۳ < میلی گرم در لیتر) بود (Alves and Mello, 2007). از این رو با توجه به اینکه نیتريت یک محصول حدواسط بوده و در اثر فعالیت‌های باکتریایی از تبدیل آمونیاک به نیتريت تولید می‌گردد لذا شرایط محیطی (تغییرات دمای آب) و متابولیسم می‌تواند بر روی میزان تبدیل نیتريت به نیتريت و در نتیجه غلظت نیتريت در محیط تأثیرگذار باشد (Ferreira *et al.*, 2011). از سوی دیگر حداکثر و حداقل نیتريت ثبت شده در این مطالعه به ترتیب ۲/۹ و ۰/۶ میلی گرم در لیتر بود

بعد از ظهر با میانگین وزن و طول این رابطه از لحاظ آماری معنی دار نبود ($P > 0/05$). از سوی دیگر مشاهده شد که میزان pH صبح و عصر استخرهای ۱ و ۳ به طور معنی داری نسبت به استخر ۲ کمتر بود ($P < 0/05$) لیکن با وجود بیشتر بودن pH استخر ۳ نسبت به استخر ۱ هیچگونه تفاوت معنی داری مشاهده نشد ($P > 0/05$). لذا با توجه به بالا بودن اکسیژن محلول در استخر ۲، از جمله دلایل افزایش میزان pH در این استخر ممکن است ناشی از افزایش بوم فیتوپلانکتونی ایجاد شده در پی استفاده از آهک کشاورزی در طول دوره باشد.

Boyd در سال ۱۹۹۰ گزارش کرد که حداکثر غلظت اولیه فسفات کل در آب پساب مزارع پرورش میگو می‌بایست در حدود ۰/۳ میلی گرم در لیتر باشد. بررسی نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که حداکثر و حداقل فسفات کل در طول دوره ۱/۰۴ - ۰/۰۱ میلی گرم در لیتر بود که بسیار پائین تر از مقدار سفارش شده می‌باشد. از سوی دیگر نتایج آزمون آنالیز واریانس یک طرفه نشان داد که میزان فسفات کل در استخر ۲ نسبت به استخرهای ۱ و ۳ بیشتر بود ($P > 0/05$). لذا از جمله دلایل افزایش بوم فیتوپلانکتونی و کاهش شفافیت در استخر ۲ می‌توان به افزایش عنصر فوق اشاره نمود. با توجه به اینکه غذا و بارورکننده‌ها نقش اساسی در ورود فسفر به استخرهای پرورشی دارند، لذا به منظور تأمین فسفر مورد نیاز در ابتدای دوره از کودهای ازته-فسفات استفاده می‌شود. با توجه به اینکه سیستم استخرهای استفاده شده در این مطالعه از نوع سیستم نیمه بسته می‌باشد و به دلیل تمایل شدید

ممکن است ناشی از استفاده از آهک در طول دوره باشد. از سوی دیگر افزایش بلوم فیتوپلانکتونی می‌تواند منجر به ترغیب دریافت آمونیاک غیر یونیزه توسط باکتری‌های تبدیل‌کننده آمونیاک به نیتريت و نیترات گردد که در نهایت با افزایش غلظت نیتريت در استخر همراه است، لیکن می‌توان با تعویض آب این مشکل را برطرف نمود.

با توجه به مطالب عنوان شده در این مطالعه می‌توان چنین نتیجه گرفت که کیفیت آب استخر می‌گو می‌تواند تحت تأثیر عوامل محیطی و مدیریتی قرار گیرد. از این رو تعویض آب یک ابزار مدیریتی بوده که منجر به کاهش مواد آلی، مواد مغذی و مواد جامد در استخرهای پرورش میگو می‌شود. لذا در صورتیکه تعویض آب در زمان و نحوه مطلوب صورت نگیرد می‌تواند با افزایش مواد جامد، مواد مغذی و مواد آلی در استخر همراه گردد. از سایر عوامل تأثیرگذار بر روی کیفیت آب استخر می‌توان به وضعیت و شرایط کف استخر، میزان هوادهی استخر، استفاده از آهک، میزان تغذیه و تراکم ذخیره سازی اشاره نمود.

نتایج به‌دست آمده از بررسی و شناسایی کفزیان موجود، نشان داد که فراوانی جمعیت شکم پایان در تمامی استخرهای پرورشی در ماه‌های مختلف به طور معنی‌داری بیشتر از فراوانی دوکفه‌ای‌ها و کرم‌های پرتار است در حالی که با وجود بیشتر بودن فراوانی جمعیت دوکفه‌ای‌ها نسبت به کرم‌های پرتار هیچگونه تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد ($P > 0.05$) از سوی دیگر مشاهده شد که جمعیت شکم پایان در هر سه استخر در طی ماه‌های مختلف

که دارای یک رابطه معنی‌دار مثبت با میانگین وزن و طول بود ($P < 0.05$). از آنجا که نیترات برای میگوها سمی نیست لیکن می‌بایست میزان آن در دامنه $0.8 - 0.2$ قرار داشته باشد (Nunes, 2002). گفتنی است نیترات می‌تواند مورد مصرف فیتوپلانکتون‌های موجود در استخر قرار گرفته و یا به میزان کمتری به گاز نیتروژن تبدیل شود. با توجه به اینکه میزان این فاکتور در استخر ۲ نسبت به دیگر استخرها بیشتر بود ($P > 0.05$) لیکن ممکن است افزایش بلوم فیتوپلانکتونی ایجاد شده در استخر ۲ ناشی از افزایش این عنصر باشد.

Lin و Chen در سال ۱۹۹۲ گزارش کردند که ۲ میلی‌گرم در لیتر آمونیاک کل (مجموع آمونیاک یونیزه و غیر یونیزه) و 0.11 میلی‌گرم در لیتر آمونیاک غیر یونیزه حداکثر غلظت قابل قبول برای پرورش میگوی ببری سیاه است. این در حالی است که Alves و Mello در سال ۲۰۰۷ و Chávez در سال ۲۰۰۸ این میزان را کمتر از $0.3 - 0.2$ میلی‌گرم در لیتر عنوان نمودند. لیکن در این مطالعه مشاهده شد که میزان آمونیاک غیر یونیزه در طول دوره پرورش 0.05 میلی‌گرم در لیتر بود. با توجه به بیشتر بودن میزان این فاکتور در استخرهای ۱ و ۳ نسبت به استخر ۲، تفاوت معنی‌داری در این رابطه و هیچ‌گونه رابطه همبستگی معنی‌داری میان این فاکتور و میانگین وزن و طول مشاهده نشد ($P > 0.05$). از این رو با توجه به اینکه هوادهی و اضافه نمودن آهک به آب استخر میزان آمونیاک کل را به طور معنی‌داری کاهش می‌دهد، پائین بودن میزان آمونیاک در طول دوره پرورش

ماسه سیلتی دارای تراکم بالایی از موجودات کفزی هستند (Mohammed, 1995).

بنابراین تراکم کم موجودات بنتیک را می‌توان به جنس بستر نیز ربط داد. موجودات ماکروفونا همیشه تمایل به انتخاب بستری با قابلیت نفوذ آسان و بیشتر دارند. از آنجایی که جنس استخرهای پرورشی مورد مطالعه بیشتر از نوع سیلت و رس (که دارای قابلیت نفوذ پایین می‌باشد) بوده می‌توان تراکم کم آن‌ها را توجیه نمود. از طرفی تحقیقات Yussoff و Shishechian (۱۹۹۹) در استخرهای پرورشی کشور مالزی مشخص نمود که اجتماعات بنتوز (ماکروفونا و مایوفونا) در استخرهای پرورش میگو به عنوان غذای طبیعی محسوب شده و از اهمیت خاصی برخوردارند. در طول دوره پرورشی به دلیل افزایش ماده آلی (به شکل غذا، ارگانسیم‌های مرده و مواد دفعی از میگو) در سیستم پرورشی و یا رقابت شدید میگوها برای تغذیه از ماکرو بنتوزها از تراکم آن‌ها کاسته می‌گردد.

خاک نقش مهمی در استخراج ایفا نموده و واکنش‌های مختلف و متعدد بیولوژیکی و فیزیکی و شیمیایی که در بستر صورت می‌گیرد مستقیماً بر روی کیفیت آب، به عنوان محیط زندگی میگو، تأثیر می‌گذارد. در تحقیق کنونی بافت بستر کلیه استخرهای انتخابی از مزارع تحت مطالعه دانه‌ریز و از جنس سیلت و رس بوده، و این خود دلیلی بر غنای بستر از مواد آلی است یک رابطه معکوس میان میزان مواد آلی رسوبات با اندازه ذرات وجود داشت بطوری که هر چقدر ذرات رسوب ریزتر و

دارای یک روند افزایشی معنی‌دار بود ($P < 0/05$) و این در حالی است که جمعیت دوکفه‌ای‌ها در ماه‌های شهریور و مهر تا حدودی افزایش یافته بودند، که نسبت به ابتدای دوره، اختلاف موجود کاملاً معنی‌دار بود ($P < 0/05$). نتایج بررسی جمعیت کرم‌های پرتار در طول دوره حاکی از این مطلب بود که جمعیت این موجودات تا حدودی کاهش یافته بود، لیکن اختلاف ایجاد شده از لحاظ آماری معنی‌دار نبود ($P > 0/05$).

در بررسی‌های انجام شده توسط نیکوئیان (۱۳۷۶) مشخص گردید که علاوه بر تأثیر میزان مواد آلی در پراکنش موجودات بنتیک عوامل دیگر از جمله اندازه ذرات نیز در این امر دخیل بوده بدین ترتیب که در بسترهای شنی (ماسه‌ای) تنوع و تراکم گونه‌های مختلف موجودات ماکروفونا غالباً بیشتر از بسترهای گلی و رسی است زیرا ذرات درشت‌رسوب یا به عبارتی بسترهای شنی (ماسه‌ای) محیط مناسب‌تری برای سکونت اغلب موجودات بنتیک می‌باشد. ایشان معتقدند که در شرایط عدم وجود استرس‌های محیطی، جنس رسوبات به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده در پراکنش و تراکم موجودات کفزی محسوب می‌گردند. همچنین طبق بررسی‌های صورت گرفته توسط Alongi (۱۹۸۹) افزایش عمق آب و تغییر در بافت رسوب با کاهش تراکم و فراوانی اجتماعات موجودات کفزی همراه می‌باشد. همچنین بین بافت، نوع رسوبات و تراکم و گسترش موجودات کفزی رابطه مشخصی وجود دارد و در این میان بسترهای

استخرهای پرورش میگوی سفید غربی (*Litopenaeus vannamei*) در سایت پرورش میگوی حله - بوشهر. مجله علمی شیلات ایران، ۴، ۱۳-۲۴.

۳. میردار، ج.، ۱۳۸۷. بررسی فراوانی، پراکنش و توده زنده موجودات ماکروبتوز در خورهای شمالی استان بوشهر. مجله علمی شیلات سال ایران، ۱، ۱۲۵-۱۳۶.

۴. نبوی، س. م. ب.، ۱۳۷۱. بررسی بنتونیکلی خلیج فارس (آبهای منطقه خوزستان). دانشگاه شهید چمران اهواز - دانشکده علوم دریائی و اقیانوسی، ۱۴۳ صفحه.

۵. نیکوئیان، ع. ر.، ۱۳۷۶. بررسی تراکم، پراکنش، تنوع و تولید ثانویه بی مهرگان کفزی (ماکروبتوزها) در خلیج چابهار. دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات، ۱۸۷ صفحه.

6. Alongi, D.M., 1989. Ecology of tropical soft - bottom benthos: a review with emphasis on emerging concepts. *Revista de Biología Tropical*, 37 (1), 85-100.
7. Alves, C.S., Mello, G.L., 2007. Manual para o Monitoramento Hidrobiológico em Fazendas de Cultivo de Camarão. Recife, Pernambuco, 211.
8. Briggs, M., Funge-smith, S., Subasinghe, R., Phillips, M., 2004. "Introductions and movement of *Penaeus vannamei* and *Penaeus stylirostris* in Asia and the Pacific." FAO, RAP Publication 2004/10 Thailand, 78.
9. Boyd, C.E., 1990. Water Quality in Ponds for Aquaculture. Birmingham Publishing, Birmingham, AL, 482.
10. Cesar de paiva, P., 1998. Macroinvertebrates as food for a penaeid shrimp pond farm in Brazil. *Revista de Biología Tropical*. 46(2), 427-430.
11. Chávez, J., 2008. Parámetros químicos usados en acuicultura. Sociedad Latinoamericana de Acuicultura (SLA), 318.
12. Chen, J., Lin, C.H., 1992. Effects of ammonia on growth and molting of

مواد سیلسی و رسی بیشتر باشد میزان مواد آلی به نسبت بالاتر می‌رود.

معمولاً موجودات ریز (مایوفونا) در لابلای رسوبات زندگی می‌کنند و رسوبات ریزتر را ترجیح می‌دهند (روزنه‌داران) در حالی که موجوداتی همانند لارو شکم پایان، دو کفه‌ای‌ها و کرم‌های پرتار به دلیل بزرگ‌تر بودن اندازه معمولاً سعی می‌کنند از درون رسوبات خارج شده و به درون ذرات بزرگ‌تر که نفوذ آب و غذا در آنها بیشتر است نفوذ کنند (نبوی، ۱۳۷۱).

نتایج به دست آمده در خصوص تراکم ماکروفونا در استخرهای بررسی شده در این پژوهش با نتایج تحقیقات مذکور در بالا مطابقت دارد. از جهت دیگر کفزی بودن بنتوزها، جنس بستر و میزان مواد آلی می‌تواند توجیهی برای فراوانی و تراکم بیشتر موجودات ماکروفون باشد.

سپاسگزاری

بدینوسیله از همکاری ریاست محترم پژوهشکده میگوی کشور، برادر دکتر آئین جمشید، معاون محترم تحقیقاتی پژوهشکده، دکتر قائدینا و همکاران بخش اکولوژی پژوهشکده میگوی کشور تقدیر و تشکر می‌گردد.

منابع

۱. اسماعیلی ساری، ع.، ۱۳۷۹. مبانی مدیریت کیفیت آب در آبی‌پروری. مؤسسه تحقیقات شیلات ایران، ۴۵ صفحه.
۲. پذیر، م. خ.، آئین جمشید، خ.، لک، ف.، افشارنسب، م.، ماهیانه، ح.، ۱۳۸۸. کیفیت آب

20. Mohammed, S.Z., 1995. Observation on the benthic macrofauna of the soft sediment on western side of the Arabian Gulf (ROPME sea area) with respect to 1991 Gulf war oil spill. *Indian Journal Mariculture Society*, 24(3), 147-152.
21. Nunes, A.J.P., 2002. Tratamento de efluentes e recirculação de água na engorda de camarões marinhos. *Panorama da Aqüicultura*, 12 (71), 27-39.
22. Paiva Maia, de E., Gálvez, A.O., Brito da Silva, L.O., 2011. Brazilian shrimp farms for *Litopenaeus vannamei* with partial and total recirculating system. *International Journal of Aquaculture Society*, 2(1), 16-27.
23. Shishechian, F., Yusoff, F.M., 1999. Composition and abundance of macrobenthos in intensive tropical marine shrimp culture ponds. *Journal of the world Aquaculture society*, 30(1), 12-25.
24. Van Wyk, P., Hodgikins, M.D., Laramore, R.L., Main, K., Mountain, J., Scarpa, J., 1999. Farming marine shrimp in recirculating freshwater system. Harbor branch oceanographic institution, Florida department of agriculture and consumer services, 141-161.
- Penaeus monodon* juveniles. *Comparative Biochemical Physiology*, 101(3), 449-452.
13. Dahanay, A., Wijey, A., 2006. Diversity of Macrobenthic community in Negombo estuary, srilanka, *Journal of the World Aquaculture Society*, 11, 43-61.
14. Ferreira, N.C., Bonetti, C., Seiffert, W.Q., 2011. Hydrological and Water Quality Indices as management tools in marine shrimp culture. *Aquaculture*, 318, 425-433.
15. Hernandez, J.Z., Nunes, A.J.P., 2001. Biossegurança no cultivo de camarão Marinho: qualidade da água e fatores ambientais. *Revista da ABCC*, 3(2), 55-59.
16. Lazur, A., 2007. *JIFSAN Good Aquaculture Practices Manual. Section 6—Grow out Pond and Water Quality Management*. Joint Institute for food safety and applied nutrition. University of Maryland, 1-18.
17. Mandal, L.N., 1998. *Chemical analysis of fish pond soil and water*. Daya publishing House, Dehli, 12-75.
18. Moopam, 1999. *Manual of oceanographic Observation and pollutant Analysis Methods*, ROPME publisher, 1-10.
19. McIntyre A.D., Eleftheriou, A., 2005. *Method for study of marine benthos*, willy-blackwell, 203.